



خشونت رسانه‌ای و سلامت کودکان با تاکید بر دیدگاه اسناد و نهادهای بین‌المللی

مریم شیریان نسل

استادیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)
maryam.shiriyani@yahoo.com

محسن عظیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
MohsenAzimi11021202@gmail.com

سعید صادقی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
Saeed.SSadeghi2@gmail.com

چکیده

بسیاری از پدیده‌های عصر جهانی شدن هم‌چون شمشیر دولبه عمل می‌کنند از یک‌سو رسانه‌ها ابزاری برای اطلاع‌رسانی و عاملی برای تحقق حق دسترسی به اطلاعات هستند. از سوی دیگر خشونت رسانه‌ای بر سلامت کودکان تاثیر منفی دارد. چنانچه تلنگر موفوکنگ، گزارشگر ویژه حق سلامت نیز در گزارش سال ۲۰۲۲ خود، فضای مجازی و رسانه‌ای را از عوامل تهدید کننده حق سلامت و مانع ارتقای سلامت کودکان شناسایی کرده است. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و با اذعان به تاثیرات مخرب خشونت رسانه‌ای بر سلامت کودکان به تحلیل دیدگاه اسناد و نهادهای بین‌المللی در مقابل خشونت رسانه‌ای به عنوان چالشی در مسیر ارتقای حق سلامت کودکان می‌پردازد. سوال اصلی تحقیق این است که با توجه به تاثیرات مخرب خشونت رسانه‌ای بر سلامت کودکان واکنش جامعه جهانی برای مقابله با آثار آزادی مطلق رسانه‌ها در راستای دفاع از حق بهداشت روانی مخاطبان (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) چه بوده است؟ تحقیق براین فرضیه استوار است که آثار مخرب خشونت رسانه‌ای بر سلامت کودکان باعث شده است تا جامعه بین‌المللی پاسخ‌های معاهداتی و نهادی درخور به خشونت رسانه‌ای بدهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌ها علاوه بر تاثیر مخرب بر سلامت روحی-روانی کودکان، می‌توانند حتی به سلامت جسمی آن‌ها نیز صدمه بزنند. پورنوگرافی و هرزه‌نگاری محصول گسترش رسانه و بی‌سواد رسانه‌ای و مصداق از تاثیر مخرب فضای مجازی و رسانه‌ای بر حق سلامت کودکان است. کودکانی که مکرراً نمایش‌هایی پر از خشونت را تماشا می‌کنند، به تقلید آنچه می‌بینند، می‌پردازند. نتیجه تحقیق نیز نشان می‌دهد اسناد و نهادهای بین‌المللی و رویه قضایی تمایل به پیوند بهداشت روانی با سلامت و بهداشت عمومی و اخلاقیات عمومی دارند تا به این طریق از آزادی بی‌قید و شرط رسانه‌ها و از خشونت رسانه‌ای جلوگیری کنند.

کلید واژه‌ها: رسانه، حق سلامت، کودک، خشونت رسانه‌ای، کنوانسیون لانزاروته.

مقدمه

بیان مساله: سلامت روحی-روانی به یک اولویت برای جامعه بین‌المللی تبدیل شده است (۴: ۲۰۱۵، A/HRC/۲۹/۳۳). این موضوع را می‌توان به وضوح در گزارش‌های گزارشگر ویژه حق سلامت مشاهده کرد. در هر گزارش موضوعی، وی تلاش کرده است تا سلامت روانی را به عنوان یک حق بشری و از اولویت‌های رشد اولیه کودکان (۱۱: ۲۰۱۵، A/۷۰/۲۱۳)، نوجوانان مورد توجه قرار دهد (۴: ۲۰۱۳، A/۷۱/۳). اما یکی از چالش‌هایی که در مسیر سلامت روحی-روانی کودکان و نوجوانان وجود دارد مساله خشونت رسانه‌ای است. گزارشگر ویژه حق سلامت در گزارش سال ۲۰۲۲ مقرر داشته صنعت رسانه تأثیر بی‌سابقه‌ای بر سلامت روحی-روانی کودکان و نوجوانان دارد، از هنجارهای تبعیض‌آمیز گرفته تا عادی‌سازی خشونت علیه دختران از آثار و پیامدهای



عصر الکترونیک و دیجیتالیست است (A/HRC/۴۴/۴۸, ۲۰۲۰: ۷۶-۷۹). تاریخچه خشونت رسانه‌ای در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، زمانی که دوره جهانشمولی تلویزیون آغاز گردید و شبکه‌های بزرگ به دنبال فرمول ساده موفق برای افزایش درآمد خود بودند. اکنون به طور متوسط هر هفته ۱۵۰ عمل خشونت‌آمیز و حدود ۱۵ قتل فرزندان آمریکایی را سرگرم می‌کند. بر اساس تحقیقات شبکه تلویزیونی Turnoff، یک کودک آمریکایی به طور متوسط تا سن ۱۸ سالگی حداقل شاهد ۴۰۰۰۰ قتل و ۲۰۰۰۰۰ خشونت است. با ورود رسانه‌های نوین معضل خشونت رسانه‌ای تشدید و پیچیده نیز شده است. چنانچه گزارشگر ویژه اشکال معاصر نژادپرستی، تبعیض نژادی و بیگانه‌ستیزی در گزارش A/۶۷/۳۲۶ در سال ۲۰۱۲ بر چالش‌های اساسی ناشی از افزایش استفاده از اینترنت برای انتشار ایده‌های نژادپرستانه و خشونت‌آمیز که می‌تواند مغایر با مفاد اعلامیه و برنامه اقدام دوربین باشد، تاکید می‌کند. دکتر پاتریشیا ادگار سخنران اصلی چهارمین اجلاس جهانی رسانه برای کودکان و نوجوانان^۱ در ریودوژانیرو در آوریل ۲۰۰۴ آثار زیانبار رسانه‌ها را به زیبایی به تصویر کشید. ادگار خاطرنشان کرد که مدل رسانه‌ای که بر جهان مسلط شده است، مدل غربی بوده و عمدتاً آمریکایی است. برنامه‌های ساخته شده و ارزش‌هایی که رسانه‌های غربی اکثراً ارائه می‌کنند تا حد زیادی به نیازهای اکثر کودکان در جهان امروز بی‌ربط است. او می‌گوید: «یک بحران معنا در غرب وجود دارد. رسانه‌های غربی نتیجه‌ای جز خشونت نداشته‌اند» (Edgar, ۲۰۰۴: ۸). برنامه‌های رسانه‌ها اکنون محدود به برنامه‌های ملی نبوده و شاهد پخش برنامه‌های ماهواره‌ای به صورت میهمان ناخوانده برای دولت‌ها هستیم. فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور سابق فرانسه در اجلاس می ۱۹۸۴ پارلمان اروپا در استراسبورگ فرانسه در مورد این میهمان ناخوانده اظهار داشت که: «اروپا نباید تسلیم امواج سیل‌آسای تصاویر و عقاید ارسالی از خارج اروپا گردد» (رفیعی، ۱۳۸۰: ۱۷). لذا با چنین وضعیتی و با توجه به تأثیرات مخرب خشونت رسانه‌ای بر سلامت کودکان و نوجوانان این پرسش مطرح است که جامعه جهانی در قبال خشونت رسانه‌ای اعم از سنتی (روزنامه، رادیو و تلویزیون) یا مدرن (اینترنت یا شبکه‌های رایانه‌ای، پخش آنلاین شبکه‌های ماهواره‌ای) چه تدابیری اندیشیده است؟

اهمیت موضوع تحقیق: اهمیت موضوع تحقیق به اهمیت حق سلامت و همچنین به اهمیت خشونت رسانه‌ای و سلامت کودکان در جامعه بر می‌گردد. یکی از طرق ارتقای سلامت بررسی چالش‌های این مسیر است.

ادبیات و پیشینه تحقیق: پژوهش‌هایی در ایران به رابطه تماشای خشونت و رفتار پرخاشگرانه پرداخته‌اند (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۱؛ عبدالخالقی، دواجی، صحبایی، محمودی، ۱۳۸۴: ۱۴۱) برخی نیز رابطه تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی بر رفتار کودکان با عواملی چون پایگاه اجتماعی و اقتصادی سنجیده‌اند (عالیخانی، زارع، باهنر، رمضانخانی، دالور، رهبانی، صالحی‌سیجانی، ۱۳۸۶: ۴۵؛ توسلی و فاضل، ۱۳۸۱: ۱۵).

هوسمن (۱۹۸۰) و همکارانش به منظور بررسی اثر مشاهده خشونت از طریق رسانه‌ها در فرهنگ‌ها و کشورهای دیگر، پژوهشی طولی انجام دادند و به این منظور، داده‌هایی را از کشورهای هلند، استرالیا، فنلاند و فلسطین اشغالی جمع‌آوری کردند هوسمن به این نتیجه رسید که در همه کشورهای، کودکانی که خشونت بیشتری مشاهده کرده‌اند، پرخاشگری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این مطالعه حاکی از آن بود که اثر مشاهده برنامه‌های خشونت‌آمیز بر پرخاشگری، تقریباً در همه جا دیده می‌شود و مخصوص یک کشور نیست.

در مطالعه‌ای که کامرون (۱۹۹۱) انجام داد، اثر مقدار خشونت در فیلم‌های کارتون، بر تمایل به رفتار خشونت‌آمیز مورد مطالعه قرار گرفت در این آزمایش از ۴۳ کودک کلدستانی به عنوان افراد نمونه استفاده شد این کودکان در سه گروه آزمایشی قرار گرفتند و هر گروه در معرض میزان‌های مختلفی از خشونت قرار دادند. نتایج نشان داد کسانی در که معرض خشونت بیشتری قرار گرفته بودند، رفتار خشونت‌آمیز بیشتری از خود نشان دادند.

^۱. World Media Summit for Children and Adolescents (WSMCA).



انجمن تلویزیون ملی ایالات متحده در سال ۱۹۹۷ گزارش پژوهشی سه ساله (۱۹۹۴-۱۹۹۷) را درباره خشونت تلویزیونی منتشر کرد. در این پژوهش، روش‌شناسی بسیار دقیقی به کار رفته بود که در آن نه تنها کمیت خشونت تلویزیونی بلکه ماهیت صحنه های خشونت‌آمیز و زمینه وقوع آن نیز تشریح شده بود.

«گرنبر» و «گراس» (۱۹۸۶) دریافتند که نمایش خشونت در ساعات پربیننده تلویزیون، در ایجاد ترس تماشاگران افراطی نسبت به خطرات دنیای واقعی نقش مهمی ایفا می‌کند برای مثال، تماشاگران افراطی، در مقایسه با تماشاگران معمولی تمایل کمتری به اعتماد نسبت به دیگران دارند. هم‌چنین تماشاگران افراطی تلویزیون، در محتمل شمردن اینکه قربانی یک جنایت خشونت‌آمیز شوند، افراط می‌ورزند.

روش تحقیق: روش تحقیق به صورت اسنادی و تحلیل دیدگاه اسناد و نهادهای بین‌المللی است.

اهداف تحقیق: هدف تحقیق رفع چالش‌های ارتقای حق سلامت کودکان به ویژه در حوزه سلامت روانی است.

فرضیه تحقیق: تحقیق براین فرضیه استوار است که آثار مخرب خشونت رسانه‌ای بر سلامت کودکان باعث شده است تا جامعه بین‌المللی پاسخ‌های معاهداتی و نهادی درخور به خشونت رسانه‌ای بدهد.

۱. تبیین مفاهیم

یکی از وسیع‌ترین و اساسی‌ترین وسیله اولیه در علم به صورت اعم و در تحقیق مفاهیم است تحقیق و علم بدون مفهوم معنی ندارد. لذا ابتدا به تعریف مفاهیم تحقیق می‌پردازیم.

۱-۱. مفهوم کودک

از دیدگاه حقوقی کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روانی لازم برای زندگی نرسیده باشد (آقا بیگلویی، موسوی چلک و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۳). علماء حقوق ذیل کلمه صغیر می‌گویند: پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است، به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود، بدون این که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدی رسد که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیز گویند (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۳۵۲). اگر ویژگی‌های بلوغ در کسی به منصه ظهور و مشاهده نرسد کودک است و الا نوجوان یا جوان خواهد بود. براساس تعریف ارائه شده از سازمان بهداشت جهانی کودک به هر انسان زیر ۱۸ سال سن گفته می‌شود (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۲۴). کنوانسیون حقوق کودک در ماده (۱) خود کودک را چنین تعریف می‌کند: «منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر آن که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (عبادی، ۱۳۷۶: ۵). ماده یک کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ در تعریف کودک، شرط سنی قائل شده و ۱۸ سالگی را مرز میان کودکی و بزرگسالی می‌داند (زنگی اهرمی، ۱۳۹۳: ۱) مطابق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، منظور از کودک «افراد انسانی زیر ۱۸ سال است؛ مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.» مطابق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده طفل است. از نظر سند ملی کودک و نوجوان، منظور از کودک هر انسانی است که به سن بلوغ نرسیده باشد.

۱-۲. مفهوم نوجوانان

در تعاریفی که از نوجوانی به عمل آمده است، گذار از کودکی به بزرگسالی با تغییر شرایط جسمی و روانی مشهود است. دایره‌المعارف بریتانیکا، نوجوانی را به عنوان دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی تعریف کرده است: اصطلاح نوجوانی "Adolescence" از کلمه لاتین "Adolescere" مشتق شده است که معنای آن رسیدن به بزرگسالی است. ارسطو، نوجوانان را موجوداتی پرشور و آتشی مزاج تعریف کرده است که آماده‌اند خود را به دست غرایز بسپارند. گروهی از روان‌شناسان معتقدند: نوجوانی با ظهور بلوغ جنسی آغاز می‌شود و با خاتمه نگرانی‌ها و ناراحتی‌های آن خاتمه می‌یابد. گروهی دیگر نوجوانی را برزخی میان نیاز به وابستگی به بزرگسالان و بی‌نیازی و وابستگی به خویشتن تعریف کرده‌اند (هالد، ۱۳۵۶: ۲۹۵) از دیدگاه هوشی و عقلی، نوجوانی را دوره پیدایش ادراک مفاهیم و افکار انتزاعی تعریف کرده‌اند (رالف، ۱۳۵۷: ۱۰). در تعریفی که هاروکس در کتاب نوجوانی خود ارایه



کرده است، نوجوان موجودی معرفی شده است که از نظر بدنی در حال دگرگونی و تحول، از لحاظ عاطفی نابالغ، از نظر تجربه محدود و از دیدگاه فرهنگی تابع محیط است. همه چیز می‌خواهد اما نمی‌داند چه باید بخواهد. فکر می‌کند همه چیز می‌داند اما چیزی نمی‌داند. تصور می‌کند همه چیز دارد اما در واقع چیزی ندارد. نه از مزایای کودکی بهره می‌برد نه از امتیازات بزرگسالی، در رویا و تخیل زندگی می‌کند اما با واقعیت روبروست (پارسا، ۱۳۷۴: ۲۱۴) مطابق بند «ب» ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، نوجوان هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است. از نظر سند ملی کودک و نوجوان، منظور از نوجوان فرد بالغی است که براساس قانون به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف ویژه خود نرسیده است. این تعریف شامل افراد بالغ مجبور نمی‌شود.

۳-۱. مفهوم رسانه

واژه Media در زبان لاتین جمع Medium است و معنای لغوی آن، وسیله، ابزار و واسطه انتقال است که در زبان فارسی واژه «رسانه» را به عنوان معادل اصطلاحی آن به کار می‌بریم. واژه «رسانه»^۱، به فتح و کسر «ر» به معنای ابزار و وسیله است. این واژه در جوامع پیشرفته به رسانه‌های گروهی جامعه اشاره دارد که کار آن‌ها رمزگزاری و انتقال پیام‌ها به یک جمعیت وسیع است. با این تعریف، رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها از مصادیق رسانه‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۳۷۴) رسانه‌های جمعی از حیث لغوی، به معنای ابزارهایی هستند که از طریق آن‌ها می‌توان به افراد، نه به طور جداگانه، بلکه با جماعت کثیر یا توده ای از مردم به طور یکسان دسترسی پیدا کرد (عظیمی، آقاجانلو و نجفی، ۱۳۹۱: ۲۴). رسانه‌های جمعی و یا گروهی، به معنای وسیله ارتباط جمعی، اعم از شنیداری، دیداری و مکتوب است (جوادی یگانه و عبدالهیان، ۱۳۸۶: ۱؛ موحدی، ۱۳۹۲: ۱۵۱) کازنو در تعریف رسانه می‌نویسد: منظور از آن دسته‌ای از وسایل هستند که مورد توجه تعداد کثیری از افراد بوده و محصول تمدن‌های جدید می‌باشند (کازنو، ۱۳۸۷: ۳) رسانه به معنی هر وسیله‌ای است که انتقال دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد. اهمیت راهبرد رسانه‌ای از آن روست که مخاطبان برنامه‌های رسانه‌ای، بسیار گسترده‌تر از مخاطبان مبادله آموزشی هستند. به نظر جوزف نای در کتاب قدرت نرم، رسانه یکی از توانمندترین ابزارهای تأثیرگذار در اقتدار نرم هر کشوری است (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

۴-۱. مفهوم خشونت رسانه‌ای

خشونت احتمالاً همیشه بخشی از تجربه حیات اجتماعی بشر بوده است تأثیر آن را در اشکال مختلف و در تمام نقاط جهان می‌توان مشاهده کرد. هر ساله، بیش از یک میلیون نفر جان خود را از دست می‌دهند و بسیاری دیگر در نتیجه خشونت به صدمات غیرکشنده خشونت مانند خودآزاری، متحمل می‌شوند. به طور کلی، خشونت یکی از علل اصلی مرگ در سراسر جهان برای افراد ۱۵ تا ۴۴ ساله است. اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد رفع خشونت علیه زنان که توسط قطعنامه ۱۰۴/۴۸ مجمع عمومی در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ اعلام شد، خشونت را چنین تعریف می‌کند: «هرگونه اقدام خشونت‌آمیز بر اساس جنسیت که منجر به آسیب جسمی، جنسی یا فیزیولوژیکی یا رنج و محرومیت از آزادی و نیازهای عمومی و زندگی خصوصی شود» (Declaration on the Elimination of Violence against Women, Art ۱.۲). سازمان بهداشت جهانی خشونت را استفاده عمدی از زور یا قدرت فیزیکی، جهت تهدید احتمالی یا واقعی، علیه شخص دیگر، یا علیه یک گروه یا جامعه تعریف می‌کند که منجر به آسیب، مرگ و محرومیت می‌شود (World Health Organization, ۲۰۰۲: ۶). کنوانسیون بلم دو پاری خشونت را هر عمل یا رفتاری که موجب مرگ یا آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی شود، خشونت تعریف کرده است (OAS, ۱۹۹۴: art. ۱). بر پایه بند «الف» از ماده ۳ کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول)، خشونت به معنای تمامی اقدامات خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که موجب بروز یا احتمال بروز آسیب یا رنج فیزیکی، جنسی، روانی یا اقتصادی و از جمله تهدید به این اقدامات، اجبار یا سلب خودسرانه آزادی، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی است (Istanbul Convention, ۱۱ May ۲۰۱۱, art. ۳(a)). شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه قرار گرفتن در

^۱ - Media.



معرض رسانه‌های خشونت‌آمیز باعث افزایش احساس خصومت، پرخاشگری، سوء ظن نسبت به دیگران می‌شود و خشونت را به عنوان روشی برای مقابله با موقعیت‌های درگیری احتمالی تثبیت می‌کند (Anderson, Carnagey, Flanagan, Benjamin, Eubanks, Valentine, ۲۰۰۴: ۲۰۳; Gentile, Lynch, Linder, & Walsh, ۲۰۰۴: ۱۳; Huesmann, Moise, Podolski, & Eron, ۲۰۰۳: ۲۱۴). کارول بلامی، مدیر اجرایی صندوق کودکان سازمان ملل، در سخنرانی افتتاحیه خود در نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس جهانی رسانه برای کودکان و نوجوانان (WSMCA) توضیح می‌دهد که «کلیشه‌های منفی بیشتر، تصاویر بیشتر از خشونت و رابطه جنسی، اختصاص زمان پخش بیشتر به آگهی‌های تبلیغاتی برای فروش محصولات همگی برای سلامتی کودکان مضر هستند» (WSMCA, ۲۰۰۴: ۱۴). در این پژوهش نیز منظور از خشونت تلویزیونی «عملی است که باعث درد و رنج جسمی و اجتماعی بازیگران سریال‌ها و فیلم‌های داستانی شود». کودکان به دلیل عدم تشخیص تفاوت خشونت رسانه‌ای و خشونت در دنیای تحت تاثیر خشونت رسانه‌ای قرار می‌گیرند.

۱-۵. مفهوم حق سلامت

هرچند اصطلاح «حق بر سلامت» را نمی‌توان دقیقاً به معنای برخورداری از سلامت معمول و متعارف فرض نمود. ولی به تنوعی از تسهیلات، امکانات و خدماتی اطلاق می‌گردد که دولت‌های عضو به موجب معاهدات بین‌المللی، بدان متعهد و افراد انسانی به واسطه آن، قابلیت برخورداری داشته و استحقاق بهره‌مندی از آن را یافته‌اند (سیدموسوی، ۱۳۹۹: ۲۷۳). حق بر سلامتی تنها دو بار در اسناد بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. یک بار در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی و بار دیگر هنگامی که ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی به «مسئولیت‌های خاص دولت‌ها در ارتباط با سلامت» اشاره می‌کند، از «حق مسئولیت‌های بهداشتی» سخن به میان آمده است (Mann, Gostin, Gruskin, et al. ۱۹۹۴: ۱۹). در واقع تکامل به سوی تعریف سلامت به عنوان یک موضوع اجتماعی منجر به تأسیس سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۶ شد. با ظهور سلامت به عنوان یک موضوع عمومی، مفهوم سلامت تغییر کرد. درک سلامت به عنوان «وضعیت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً عدم وجود بیماری یا ناتوانی» در اساسنامه سازمان بهداشت جهانی منعکس گردید (Constitution of the World Health Organization, Basic Documents, Official Document No. ۲۴۰, Washington, ۱۹۹۱). تعریف حق بر سلامت در اساسنامه سازمان بهداشت جهانی این چنین است: هر کس حق دارد تا به بالاترین استاندارد سلامت فیزیکی و روانی دستیابی داشته باشد و این حق تمام خدمات پزشکی، بهداشت عمومی، غذای کافی، مسکن مناسب، محیط کار سالم و محیط زیست تمیز را در برمی‌گیرد. بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با الهام از اساسنامه سازمان بهداشت جهانی می‌گوید: «دولت‌های عضو میثاق حاضر، حق هر فردی را به بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی جسمی و روانی به رسمیت می‌شناسند». کمیته حقوق کودکان حق سلامتی را به عنوان یک حق فراگیر تفسیر می‌کند که نه تنها شامل پیشگیری، ارتقای سلامت، خدمات درمانی، توانبخشی و خدمات تسکینی می‌شود، بلکه حق سلامتی به رشد و توسعه کامل کودکان نیز کمک می‌کند (CRC, ۲۰۱۳: ۲).

۲. پرهیز از خشونت رسانه‌ای؛ حق اصلی مخاطبان رسانه‌های جمعی

در لغت به کسی مخاطب گفته می‌شود که به وی خطاب شود، کسی که با او سخن می‌گویند (معین، ۱۳۶۳). مخاطب رسانه‌ای به طور کلی به خوانندگان، بینندگان و شنوندگان شبکه‌های رسانه‌ای و یا هر محتوا و نمایشی گفته می‌شود (کری و جو، ۱۳۸۶: ۳۷). مخاطب رسانه‌های جمعی، غالباً به صورت پراکنده، غیرمستقیم و غیر قابل مشاهده هستند و بسته به نوع رسانه متفاوت‌اند. گاه به صورت مستقیم بیننده، شنونده و خواننده هستند و گاه به صورت غیر مستقیم در معرض پیام قرار می‌گیرند اما در هر حال مخاطب رسانه شخص حقیقی و یا حقوقی است به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در معرض پیام قرار می‌گیرد (کری و جو، ۱۳۸۶: ۳۹). حق بهداشت روانی یا پرهیز از خشونت رسانه‌ای زمانی اهمیت می‌یابد که به این نکته توجه داشته باشیم که



کودکان در خردسالی به طور کامل و واضح نمی‌توانند بین واقعیت و خیال مرزی قائل شوند، ممکن است هر آنچه در تلویزیون می‌بینند واقعی بپندارند. بنابراین چنانچه شاهد برنامه‌های با محتوای ناخوشایند باشند، به احتمال زیاد تاثیر زیانباری بر الگوهای فکری، هیجانی و رفتاری آن‌ها خواهند داشت (حکیم‌آرا، ۱۳۸۸: ۲۴۵). در گذشته نه چندان دور، بحث در مورد خشونت در رسانه‌ها، محدود به توصیف زد و خوردهای شدید فیزیکی، تیراندازی و امثال آن بود و هنگامی که شخصی با استفاده از نیروی تهدید و خشونت فیزیکی بر دیگری غلبه می‌یافت این تعریف خشونت روانی را نیز شامل می‌شد اما بعدها این تعریف گسترش بیشتری یافت و بی‌حرمتی‌ها را نیز چه به صورت حقیقی و چه به شکل تهدید دربرگرفت. خشونت تلویزیونی به تنهایی مسئول گرایش‌های تجاوزی و رفتار غیراجتماعی نیست اما از جمله عوامل خطرناک در این زمینه به شمار می‌رود. در حقیقت بیشتر مطالعات بر این توافق دارند که روابطی ضعیف اما مثبت بین نمایش خشونت در تلویزیون و بروز آن در رفتار واقعی انسان‌ها وجود دارد (فولادی‌راد، ۱۳۹۱: ۱۱۴) خشونت رسانه‌ای به طور کلی دو بعد دارد، نخست، عمل خشونت‌آمیز فیزیکی (یعنی آسیب رساندن جسمی) و دوم، خشونت نمادی (ابراز خشونت به طور معمول کلامی است و ابتدا آسیب روحی یا عاطفی به قربانی وارد می‌شود (فاضل، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۹) شخصیت‌های مختلف در برنامه‌های تلویزیونی خشونت را به روش‌های مختلف اعمال می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند بینندگان گروه‌های سنی مختلف، بیشتر از شخصیت‌های مهاجمی تقلید می‌کنند و خشونت را از افرادی فرا می‌گیرند که آن‌ها را شخصیت‌های جذبی تشخیص داده باشند. بنابراین، مهاجمی که شخصیتی جذاب یا دوست داشتنی دارد، می‌تواند در مقایسه با مهاجمی که شخصیتی خنثی یا غیرجذاب دارد، الگوی رفتاری قوی‌تری باشد (حاتمی، ۱۳۸۷: ۶۸) معضل خشونت در رسانه همراه با روند جهانی شدن، تنها به رادیو و تلویزیون و جراید محدود نمی‌شود چنان که در حال حاضر رسانه‌های نوین ارتباطی را نیز محمل جدید خود ساخته است. برای مثال اینترنت به عنوان رسانه نوین ارتباطی با گستره وسیع که استفاده از آن امروزه در بین خانواده‌ها و به خصوص نوجوانان بسیار رایج است، در عین حال که عرضه کننده اطلاعات مثبت و مفید است در بسیاری از موارد می‌تواند حامل پیام‌های خشونت بار و خطرناک باشد. بنابر مطالعات متعدد خشونت رسانه‌ای تأثیرات ناهنجار مختلفی بر مخاطبان بویژه کودکان و نوجوانان دارد. خشونت رسانه‌ای، به ویژه به کودکان زیر ۸ سال صدمات روحی و جسمی جبران‌ناپذیری وارد می‌کند؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانند به راحتی تفاوت بین دنیای حقیقی و خیالی را درک کنند (شفیعی، ۱۳۸۳: ۲۴)

۳. تاثیر خشونت رسانه‌ای بر سلامت کودکان

بدیهی است با توجه به نیاز جامعه، بخصوص افراد نوجوان و جوان به هیجان ارایه تصاویر تلویزیونی عاری از خشونت را دشوار یا حتی غیر ممکن می‌سازد. اما همان‌طور که جورج گرینر، رئیس دانشکده ارتباطات آنبرگ در دانشگاه پنسیلوانیا اظهار می‌دارد: «آنان که بیشتر خشونت تلویزیونی را تماشا می‌کنند، دنیا را خصمانه‌تر توصیف می‌کنند» (حاتمی، ۱۳۸۷: ۵۷). بررسی‌های انجام گرفته حاکی از آن است که بین خشونت تلویزیونی و برخی از اقدامات خشونت‌آمیز؛ در زندگی واقعی مردم نوعی ارتباط خاص وجود دارد. تجزیه و تحلیل جامع تحقیقات صورت گرفته درباره تاثیر رسانه‌های حاوی برنامه‌های خشونت‌آمیز بر کودکان نشان می‌دهد که خشونت رسانه‌ای: (الف) رفتار پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد، (ب) افکار پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد، (ج) احساس عصبانیت را افزایش می‌دهد، (د) رفتار مفید را کاهش می‌دهد و (ه) برانگیختگی فیزیولوژیکی را افزایش می‌دهد (Anderson, ۲۰۰۳: ۲۰۴; Anderson, Carnagey, Flanagan, Benjamin, Eubanks, Valentine, ۲۰۰۴: ۱۰۳; Anderson, & Dill, ۲۰۰۰: ۷۸۲; Bushman, & Anderson, ۲۰۰۲: ۱۶۸۲; Gentile, Lynch, Linder, & Walsh, ۲۰۰۴: ۱۳) تحقیقات روی برنامه‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد که محبوب‌ترین برنامه‌های رسانه‌ای دارای محتوای تهاجمی و خشونت‌آمیز هستند (Dietz, ۱۹۹۸: ۴۳۰) این محبوبیت برنامه‌های خشونت‌آمیز رسانه‌ها نشان از آن دارد که سازندگان این برنامه‌ها به خوبی از اثرات تماشای خشونت تلویزیونی بر اساس نظریه یادگیری بندورا آگاهی دارند. به دلیل تمنا بازار، هزینه کمتر و ایجاد هیجانات کاذبی که مخاطبان را بیشتر به خود جذب می‌کند، تولید این گونه محصولات (در قالب فیلم، کارتون، رمان، داستان



و... در دستور کار شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای است. اما باید دانست که آمار صحنه‌های خشونت‌آمیز در این برنامه‌ها بسیار تکان‌دهنده است (هاماربرگ، ۱۳۸۰: ۲۷). سه جنبه ترویج خشونت توسط فیلم‌های پرخاشگرانه تلویزیون را اکثر محققان این حوزه شامل حساسیت‌زدائی نسبت به پرخاشگری، بازدارندگی و برانگیختگی شمرده‌اند (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۸۹) بر اساس نظریه حساسیت‌زدائی، تماشای مداوم خشونت از تلویزیون، منجر به کم شدن پاسخ عاطفی به خشونت موجود در صفحه تلویزیون و پذیرش سطوح بالاتر خشونت در زندگی واقعی می‌شود. بنابراین چنانچه بینندگان کودک و نوجوان برنامه‌های حاوی صحنه‌های خشونت‌آمیز را به میزان زیاد تماشا کنند، به وجود خشونت واقعی در زندگی عادت می‌کنند و در نتیجه تقاضا برای اشکال شدیدتر خشونت افزایش می‌یابد. طبق نظریه بازدارندگی، کودکانی که مقدار زیادی خشونت در تلویزیون مشاهده کنند، بازدارندگی خود را نسبت به اعمال پرخاشگرانه از دست می‌دهند و در تعامل با دیگران به راحتی به خشونت متوسل می‌شوند. کودکانی که شاهد برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی هستند، درباره این برنامه‌ها در مدرسه گفتگو می‌کنند و به تدریج خشونت را به عنوان راهی برای حل مشکلات می‌پذیرند برای مثال به همکلاسی‌های خود صدمه می‌زنند، بحث و جدل می‌کنند، از قواعد کلاس پیروی نمی‌کنند و برای آنچه که می‌خواهند بردباری کمتری نشان می‌دهند (حسینی انجدانی، ۱۳۸۷: ۸۵). نظریه برانگیختگی یکی از نظریه‌های خشونت رسانه‌ای است که توسط تاننوم مطرح شده است. وی بر این اعتقاد است که مواجهه با خشونت رسانه پرخاشگری را افزایش می‌دهد زیرا تحریک یا برانگیختگی مشاهده کنندگان را فزونی می‌بخشد. بنابراین، چنانچه بینندگان در حال تماشای برنامه کمدی سرگرم کننده باشند این احتمال وجود دارد که برانگیختگی درونی خود را سرگرمی و چنانچه در حال تماشای برنامه‌ای در حال خشونت باشند، آن را خشم تعبیر کنند (فولادی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

۴. اقدامات جامعه بین‌المللی برای دفاع از حق بهداشت روانی و پرهیز از خشونت رسانه‌ای

بی‌تردید رسانه‌های سنتی اعم از چاپی و الکترونیک (رادیو، رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجله) نمی‌توانند چندان چالش‌ساز باشند. مسائلی هم‌چون خشونت رسانه‌ای عمدتاً ناشی از رسانه‌های نوین دیجیتال (سی دی، دی وی دی، هارد دیسک، فلاپی دیسک و فلش دیسک، شبکه‌های اجتماعی و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای) است. با گسترش برنامه‌های ماهواره‌ای و هم‌چنین افزایش تعداد ماهواره‌ها در جو زمین، ورود برنامه‌های ناخواسته به کشورهای مختلف نیز افزایش پیدا کرد. به‌طوری‌که ارسال سیگنال‌های حامل برنامه‌های تلویزیونی به عنوان ابزاری مناسب در دست بعضی دولت‌ها افتاد. مسئله دیگر ظهور پدیده دیگر به نام «تجاوز سیگنالی و ارسال برنامه‌های تلویزیونی بدون توجه به بهداشت روانی (پرهیز از خشونت رسانه‌ای)» بود. برنامه‌های ماهواره‌ای به صورت پنهان و آشکار در مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امور داخلی کشورها دخالت کرده و باورها و ارزش‌های دینی، اخلاقی و سنت بومی و محلی ملت‌های مختلف را به چالش می‌کشند که این کار به نوعی تجاوز سیگنالی می‌ماند. همین امر موجب اعتراض کشورهای دارای فرهنگ متفاوت به ارسال کننده‌ها گردیده است. از آن پس این ضرورت همه جا احساس می‌شد که جامعه جهانی باید در چارچوب حق حاکمیت دولت‌ها و با در نظر گرفتن فرهنگ‌های متفاوت، یک اجماع بین‌المللی را در تعیین محدوده آزادی پخش برنامه‌های ماهواره‌ای پیدا کنند. علی‌رغم آزادی پخش و شناسایی آن به عنوان اصل حقوق بین‌الملل عرفی دولت‌های گیرنده می‌توانند اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند اگرچه محدودیت‌های چندی نیز برای اعمال آن در نظر گرفته شده است. اما علی‌رغم وجود استثنائات چند نسبت به اصل آزادی پخش، هیچ گاه مقرراتی راجع به اخذ رضایت یا موافقت دول گیرنده تنظیم نشده است. در زمینه پخش ماهواره‌ای، شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق از جمله کشورهایی بودند که بر شناسایی اصل حاکمیت مطلق دولت‌ها اصرار داشتند و هرگونه ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای را بدون رضایت و موافقت کشورهای گیرنده مخالف اصل حاکمیت و ناقض آن دانسته و آن را موجب ایجاد تنازعات و تعارضات بین‌المللی می‌دانستند. بر این اساس شوروی خواستار حمایت از حاکمیت دولت‌ها در قبال هرگونه تعرض خارجی شده بود. علاوه بر آن دولت شوروی هرگونه فعالیت در خصوص ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای را تنها بر اساس احترام متقابل به حاکمیت دول و اصل عدم مداخله در امور کشورها، تساوی و همکاری دول و منافع مشترک آنان جایز می‌دانست. این طرح، بعدها با حمایت پنج کشور دیگر به عنوان



طرح «شش قدرت» و مجدداً با تأکید بر حفظ حاکمیت ارائه شد (کدخدایی، ۱۳۷۹: ۴۲). اختلاف نظر عمیق دولت‌ها در مورد اصل پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای باعث شد که مجمع عمومی در تصویب قطعنامه ۳۷/۹۲ با عنوان اصول کلی حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی به ناچار و برای اولین بار از شیوه تثبیت شده خود در تصویب تصمیمات کوپپوس (یعنی کنسانسوس) عدول کند و این قطعنامه را به رأی بگذارد این قطعنامه روشن ساخت که اکثریت دولت‌ها مایل به پشتیبانی از اصل رضایت قبلی (حتی تحت لوای مشاوره و توافق) در مورد ماهواره‌های پخش مستقیم هستند (زمانی، ۱۳۸۱: ۷۶). در سال ۱۹۷۱ کنفرانس رادیویی اتحادیه بین‌المللی مخابرات به وضع مقرره‌ای پرداخت که صبغه لزوم کسب رضایت قبلی برای پخش برنامه‌های ماهواره‌ای داشت که این مورد در کنفرانس رادیویی سال ۱۹۷۷ در قالب مقرر شماره ۶۲۲۲ نیز درج شد. اما گفته می‌شود که این مقررات فقط به عنوان مقرره‌ای فنی و به منظور استفاده کارآمد و منصفانه از طیف مداری - فرکانسی تفسیر می‌شود و معیاری برای تعیین تکلیف مسائل سیاسی اختلاف برانگیز میان طرفداران اصل جریان آزاد اطلاعات و حامیان مفهوم مطلق حاکمیت نیست. بعلاوه مقررات مصوب اتحادیه فقط برای کشورهای عضو الزام‌آور است. مقررات یاد شده نیز به علت پیشرفت‌های فنی تجهیزات دریافت اصولاً مهجور مانده‌اند (زمانی، ۱۳۸۱: ۷۹). با این وجود آزادی رسانه‌ها هرگز به معنی آزادی مطلق نبوده و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی اسناد و اقدامات ذیل جهت دفاع از حق بهداشت روانی مخاطبان (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) انجام گرفته است که به اختصار در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۱. پاسخ معاهداتی

اجرای قانون در مواجهه با نقض بهداشت روانی مخاطبان به خصوص اجرای مقررات بین‌المللی برای مقابله با خشونت رسانه‌ای یکی از راهکارهای منطقی می‌باشد، که هم بر برنامه‌های رسانه‌های سنتی (روزنامه، رادیو و تلویزیون) و هم بر رسانه‌های مدرن (اینترنت یا شبکه‌های رایانه‌ای، پخش آنلاین شبکه‌های ماهواره‌ای) قابل اعمال هستند.

۴-۱-۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

ممنوعیت خشونت رسانه‌ای در حقوق بین‌الملل با ماده ۱۹ و ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ آغاز گردید. مطابق بند سوم ماده ۱۹ آزادی بیان و رسانه مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که سلامت یا اخلاق عمومی و احترام به حقوق یا حیثیت دیگران از جمله این محدودیت‌ها است. از سوی دیگر مطابق بند دوم ماده ۲۰ هر گونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه، اعمال زور و خشونت باشد به موجب قانون ممنوع است. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، در راستای تفسیر ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در صدد تعیین آستانه ممنوعیت تحریک به نفرت مقرر می‌دارد اصطلاح تحریک شامل خشونت نیز می‌باشد. کمیساریای عالی حقوق بشر در اثبات این ادعا قانون کیفری اسپانیا مصوب ۱۹۹۶ را مثال می‌زند که مطابق ماده ۵۱۰۴ این قانون منظور از "تحریک" «اعمال کسانی هستند که باعث ایجاد تبعیض، نفرت یا خشونت می‌شوند...» به زعم کمیساریای عالی حقوق بشر اصطلاح تحریک می‌تواند شامل تنوعی از رفتارهای زیر باشد:

- فراخوان مستقیم برای انجام عمل خشونت‌آمیز، تبعیض یا خصومت که در ماده ۲۰ تصریح شده است.
- تمجید از اعمالی که قبلاً انجام شده است (مانند هولوکاست)
- نمایش نمادها (مانند سواستیکا) یا تصاویر خشونت‌آمیز از طریق رسانه‌ها
- حمایت از برخی اقدامات (مثلاً دستگیری مسلمانان و اخراج آن‌ها از کشور)
- صدا زدن گروه‌های خاص با نام‌های توهین‌آمیز (مانند سیاه‌پوست) (Organized by the Office of the High Commissioner for Human Rights, ۲۰۱۰: ۲)

کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز معتقد است ماده ۱۹ میثاق از آن آزادی بیان و رسانه دفاع می‌کند که با افراط‌گرایی و خشونت مقابله می‌کند. نه آزادی بیان که چهل را تعمیق و خشونت را تشدید می‌کند کمیته حقوق بشر سازمان ملل معتقد است که اعمال خشونت‌آمیز در حیطه آزادی بیان نمی‌گنجد. به زعم کمیته گاهی «ضرورت» حمایت از حقوق و آزادی کودکان ایجاب



می‌کند که از انتشار مطالب یا تصاویر حاوی خشونت خودداری شود (۳۴: ۲۰۱۱، CCPR/C/GC/۳۴). نتیجه اینکه اولاً میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعمال محدودیت بر رسانه‌ها را در موارد خشونت رسانه‌ای پذیرفته و دوماً اعمال محدودیت بر رسانه‌ها را در چارچوب قانون برعهده دولت‌ها گذاشته است. لازم به ذکر است که اعمال محدودیت‌ها به اندازه اعمال حقوق و آزادی‌ها واجد منفعت بوده و یک تعهد ارگامنس^۱ می‌باشد مطابق بند دوم نظر عمومی شماره ۳۱ کمیته حقوق بشر، در رابطه با میثاق «هر کشور عضو در اجرای تعهدات خود توسط کشور عضو دیگر منفعت قانونی دارد. این امر از این واقعیت ناشی می‌شود که «قواعد مربوط به حقوق اولیه انسان» تعهدات ارگامنس است...». از آنجایی که اعمال محدودیت‌ها ضرورتی برای جامعه‌ای دموکراتیک و در راستای هدف مشروع (امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی) و یا به منظور حمایت از حقوق دیگران صورت می‌گیرد لذا تعهد به جلوگیری از خشونت رسانه‌ای برای هر دولت عضو به عنوان یک کل الزام‌آور است.

۴-۱-۲. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در قالب یک مقدمه و ۸۲ ماده تنظیم شده که مباحث عمده مطروحه در آن شامل دو بخش می‌گردد. بخشی از مباحث بطور مستقیم به ذکر حقوق ماهوی به رسمیت شناخته شده و تبیین حدود و ثغور آن‌ها اختصاص یافته و بخش دیگر نیز عمده‌تاً شامل مقرراتی مربوط به نهادهای نظارتی و اجرایی این کنوانسیون می‌باشد. دو پروتکل الحاقی، یکی در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگری در مورد لغو مجازات اعدام در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰ تصویب شده‌اند (مهرپور، ۱۳۸۳: ۲۱۴). کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۱۳ برای حفظ الزامات اخلاقی در دوران کودکی و نوجوانی رسانه‌ها را مشمول محدودیت قرار داده است. بی‌تردید یکی از عوامل نقض الزامات اخلاقی در دوران کودکی و نوجوانی مساله خشونت رسانه‌ای است. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر برای کسانی که از برنامه‌های رسانه‌ها آسیب دیده‌اند حق پاسخ پیش‌بینی شده است (کنوانسیون حقوق بشر آمریکا ۱۹۶۹، ماده ۱۴) بند دوم از ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: اعمال حق دسترسی به رسانه‌ها منوط به سانسور قبلی نیست ولی تابع مسئولیتی است که متعاقباً تحمیل می‌شود و باید به وضوح و بر حسب ضرورت و در راستای احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت یا اخلاقیات عمومی بوده و بواسطه قانون مشخص گردد. مطابق چهارم از ماده ۱۳ برنامه‌های رسانه‌ها در جهت حمایت اخلاقی از کودکان و نوجوانان مشمول سانسور قبلی می‌شوند. بند پنجم از ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: هر گونه تبلیغات برای جنگ، دفاع از عدوات ملی، نژادی، مذهبی که ترغیب به خشونت غیر قانونی یا هر عمل مشابه دیگری باشد که علیه فرد یا گروهی از افراد باشد. بی‌تردید خشونت رسانه‌ای و عدم رعایت بهداشت روانی مخاطبان می‌تواند در چارچوب نظم عمومی، اخلاق حسنه، بهداشت عمومی، احترام به حقوق، اعتبار، حیثیت و آزادی دیگران مشمول محدودیت گردد. اولین حکم دادگاه آمریکایی حقوق بشر نیز گرچه در مورد خشونت جنسی در مدرسه است اما در مورد رسانه‌ها نیز قابل تسری است. دادگاه آمریکایی حقوق بشر در اولین حکم خود در پرونده *Guzmán Albarracín and Others v. Ecuador* تعهدات دولت‌ها را برای پیشگیری و جبران غرامت ناشی از صدمات خشونت جنسی در مدارس صادر کرد. این پرونده مربوط به «پائولا دل روزاریو گوزمان آلباراسین» بود که در نوجوانی توسط معاون دبیرستان محل تحصیل مورد آزار جنسی قرار گرفت و در سال ۲۰۰۲ در اثر خودکشی جان باخت. دادگاه دولت اکوادور را مسئول نقض حقوق پائولا در مورد «حق حیات، رفتار انسانی، شرافت و حیثیت، حمایت ویژه دولت از یک دختر، حق بهداشت، و زندگی عاری از خشونت، شناسایی کرده و اعلام کرد که کودکان حق دارند در یک محیط ایمن و عاری از خشونت جنسی، که دولت‌ها باید اقدامات پیشگیرانه‌ای برای محافظت از آنان، ایجاد کنند، انجام دهند (See IACHR, Merits Report No. ۱۱۰/۱۸, Case ۱۲,۶۷۸, Paola del Rosario Guzmán Albarracín) (and Relatives (Ecuador), ۵ Oct. ۲۰۱۸, para. ۱۵۵).

^۱. Erga omnes.



۴-۱-۳. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

عهدنامه اروپایی حراست حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی"، که در چهارم نوامبر ۱۹۵۰ در رم به امضای نمایندگان دولت‌های اروپای غربی رسید و از سوم نوامبر ۱۹۵۳ به مورد اجرا در آمد، هرچند به صورت صریح و مستقیم به حق بهداشت روانی رسانه‌ها اشاره نمی‌کند اما دادگاه اروپایی حقوق بشر این حق را برای مخاطبان رسانه‌ها به موجب بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون موصوف به رسمیت شناخته است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در سال ۲۰۰۵ تصمیم گرفت تا شرایط استثنایی و الزامی روزنامه را برای انتشار تکذیب، معذرت‌خواهی و دادرسی در پرونده توهین و افترا تعیین کند. به نظر دادگاه دولت ممکن است برای کمک به اعمال حق آزادی بیان فردی در رسانه تعهد مثبتی نماید (Kellern, ۲۰۱۱: ۱۸۵-۲۲۳). بند ۲ ماده ۱۰، امنیت ملی، تمامیت ارضی، منع و جلوگیری از آشوب و جرم، حمایت از بهداشت یا اخلاق عمومی، حمایت از حیثیت و حقوق دیگران، منع و جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار، صلاحیت و بی‌طرفی دستگاه قضائی را به‌عنوان محدودیت‌های آزادی رسانه‌ها ذکر می‌کند. کنوانسیون اروپایی، محدودیت‌های جزئی‌تری را نسبت به سایر اسناد بین‌المللی بیان کرده است، از سوی دیگر دادگاه اروپایی حقوق بشر به دولت‌ها اختیار می‌دهد که کنوانسیون را با توجه به شرایط خود تفسیر کنند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). لذا به راحتی دولت‌ها می‌توانند از حق بهداشت روانی مخاطبان (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) دفاع کنند و مانع پخش برنامه‌های حاوی خشونت باشند. دیوان اروپایی حقوق بشر با اینکه ۴۰۰ رأی در مورد آزادی بیان و رسانه از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۲ صادر کرده است کم‌تر از محدودیت رسانه‌ها جانبداری کرده است اما با این وجود دیوان در پرونده *Mouvement raëlien suisse v. Switzerland* ممنوعیت انتشار محتوای غیرقانونی و نصب پوستر توسط یک کمپین را تحت عنوان حمایت از اخلاق، سلامت عمومی، احترام به حقوق دیگران توجیه کرد (Voorhoof and McGonagle, ۲۰۱۶: ۲۶۳). در پرونده *Karttunen v Finland* که خانم «ولا آنیکی کارتونن» آثار هنری خود را که حاوی تصاویری برهنه و گاهی خشن و تحقیرآمیز از صحنه‌های پورنوگرافی بود با قرار دادن در نمایشگاه و اینترنت به صورت همزمان که به صورت رایگان قابل دانلود بود توسط پلیس توقیف گردید زیرا در اختیار داشتن و توزیع تصاویر زننده جنسی و قرار دادن آن‌ها در معرض دید کودکان طبق فصل ۱۷، بخش ۱۹/۱۸ قانون مجازات فنلاند، اعمال مجرمانه تلقی می‌شود. هنرمند مذکور در دیوان اروپایی حقوق بشر ادعای نقض آزادی بیان مطابق ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نمود اما دیوان به دلیل نقض حریم خصوصی کودکان و ملاحظات اخلاقی و بهداشت عمومی ادعای شاکی را رد کرد و اعلام کرد که درخواست هنرمند آشکارا بی‌اساس و در نتیجه غیرقابل قبول است (Voorhoof and McGonagle, ۲۰۱۶: ۲۴۵).

۴-۱-۴. اقدامات شورای اروپا و اتحادیه اروپا: از پیمان‌نامه جرایم سایبری تا قانون خدمات دیجیتال (DSA)

کمیته شورای اروپا در توصیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی حق بهداشت روانی (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) را شناسایی کرده است. شورای اروپا، از اواسط دهه ۱۹۸۰ برای هماهنگی با پیشرفت تکنولوژی ماهواره‌ای پخش مستقیم تلویزیونی و آغاز استفاده گسترده از برنامه‌های تصویری آن در فراسوی مرزهای ملی، به تدارک یک سند حقوقی منطقه‌ای، به منظور همکاری کشورهای عضو در انتقال و انتشار برنامه‌ها و اطلاعات و اخبار تلویزیونی، توجه خاصی پیدا کرد و پس از مطالعات کارشناسی طولانی در این زمینه، سرانجام عهدنامه ویژه‌ای موسوم به «عهدنامه اروپایی تلویزیونی فرامرزی» تدوین نمود. این عهدنامه در پنجم ماه مه ۱۹۸۹، از سوی دولت‌های عضو شورا به تصویب رسید و پس از حدود یک دهه، در یکم اکتبر ۱۹۹۸ در برخی از مقررات آن تجدید نظر به عمل آمد. محدودیت‌های مربوط به آزادی بیان و اطلاعات نیز در «عهدنامه اروپایی تلویزیونی فرامرزی» طرف توجه واقع شده‌اند. در این زمینه، در ماده ۷ عهدنامه، چنین تصریح گردیده است: «...تمام عناصر خدمات برنامه‌ای، از حیث شکل و محتوای آن‌ها، باید به منزلت شخص انسانی و حقوق بنیادی دیگران، احترام بگذارند. این عناصر به ویژه نباید مغایر اخلاق حسنه و خصوصاً حاوی صور قبیحه باشند و همچنین نباید به ارزش‌گذاری خشونت بپردازند و قابلیت برانگیختن تنفر و کینه نژادی را دارا باشند...».



مجمع پارلمانی شورای اروپا در بند پنجم از توصیه ۱۸۸۲ سال ۲۰۰۹ صراحتاً مقرر می‌دارد: اینترنت می‌تواند اثرات منفی بر روی کودکان و نوجوانان داشته باشد. می‌تواند در موارد خاصی منجر به خشونت هم در دنیای مجازی و هم در دنیای واقعی شود، مجمع تأکید می‌کند مجمع تأکید می‌کند که هر رسانه‌ای اعم از سنتی (روزنامه، رادیو و تلویزیون) یا مدرن (اینترنت یا شبکه‌های رایانه‌ای) که محتوای غیرقانونی تولید یا در دسترس قرار دهد باید طبق قانون پاسخگو باشد. به این دلیل بند دوم ماده ۹ «کنوانسیون لانزاروته»^۱ شرکت‌ها را مجبور می‌سازد تا سیاست‌های جلوگیری از بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی از کودکان را از طریق خود تنظیمی یا هم تنظیمی اتخاذ کنند.

هرزه‌نگاری خشونت‌آمیز یکی دیگر از موارد موضوع بحث است که با خشونت علیه آن‌ها پیوند دارد. به این ترتیب که رسانه‌های نوین مانند اینترنت به کسانی که تمایل به آمیزش جنسی با کودکان دارند اجازه می‌دهد در فضای مجازی مثلاً از طریق اتاق‌های گفتگو یا ایمیل، آماج خود را شناسایی و سپس در فضای واقعی با فریبکاری یا اجبار آنها را قاقچاق کنند یا مورد خشونت و سوءاستفاده جنسی قرار دهند. موضوع هرزه‌نگاری خشونت‌آمیز به تصویر کشیدن صحنه‌های جنسی‌ای است که با اعمال زور و آزار و اذیت است و صحنه‌های خشن و زنده‌ای را به همراه دارد که ممکن است آثار منفی بسیاری از جمله تشویق و تحریک به خشونت به ویژه خشونت جنسی را به همراه داشته باشد. سوئیس، استرالیا، نروژ، نیوزلند، فنلاند و آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر اقدام به اعمال این محدودیت کرده‌اند (جواهری، اسماعیلی و حاجی تبار فیروز جانی، ۱۳۹۹: ۱۷۳-۲۰۰). در سطح اروپایی، بویژه باید به دو سند چارچوب تصمیم شورای اروپا در مورد مبارزه با بهره‌کشی جنسی کودکان و هرزه‌پردازی کودک مصوب دسامبر ۲۰۰۳ و پیمان‌نامه جرایم سایبری مصوب ۲۰۰۱ اشاره کرد. ماده ۵ دستورالعمل راجع به هرزه‌نگاری کودک (۲۰۱۱) مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو باید تدابیر لازم را برای تضمین قابل مجازات بودن اعمال ارتكابی در بندهای ۲ تا ۶ این ماده اتخاذ نمایند. مطابق بند ششم ماده ۵ این دستورالعمل تولید محصولات هرزه‌نگاری کودکان حداقل ۳ سال حبس دارد (ماده ۲۵ دستورالعمل راجع به «اقدامات علیه وبسایتهایی که حاوی هرزه‌نگاری کودکان هستند یا آن‌ها را منتشر می‌نمایند». در واقع طی این ماده از دولت‌های عضو خواسته شده است که وبسایت‌های این‌چنینی موجود در سرزمین‌شان را یا حذف نمایند یا دسترسی به آنها را (از طریق بستن آن‌ها) غیرممکن نمایند (تقی‌زاد؛ زمردی و حاجیان، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

مجمع پارلمانی شورای اروپا در بند ۲۱،۵،۳ توصیه‌نامه (۹۶۳) ۱۹۸۳ مقرر می‌دارد: شرکت‌های پخش توجه ویژه‌ای به وسایل محافظت از کودکان در برابر قرار گرفتن طولانی مدت در معرض خشونت رسانه‌ای داشته باشند. مجمع پارلمانی شورای اروپا در دستورالعمل (۱۸۸۲) ۲۰۰۹ از برنامه اینترنت امن‌تر اتحادیه اروپا ۲۰۰۹-۲۰۱۳ و همچنین ابتکارات داوطلبانه برای ایمنی کودکان توسط اینترنت و صنعت رسانه آنلاین و جامعه مدنی استقبال می‌کند. مجمع پارلمانی شورای اروپا در بند ۱۲ دستورالعمل (۱۸۸۲) ۲۰۰۹ تأکید می‌کند که هر کسی که محتوا یا خدمات غیرقانونی تولید یا در دسترس کودکان قرار دهد باید طبق قانون پاسخگو باشد. مجمع پارلمانی شورای اروپا نهایتاً با تصویب قطعنامه ۲۰۰۱ (۲۰۱۴) وضعیت حقوقی خشونت در رسانه‌ها را روشن نمود. بند دهم مقرر می‌دارد: با توجه به اینکه دولت‌ها، پارلمان‌های ملی و ارائه‌دهندگان خدمات رسانه‌ای مسئولیت مبارزه با خشونت در رسانه‌ها را دارند، مجمع از آن‌ها می‌خواهد اقدامات زیر را انجام دهند:

- هر گونه تحریک به خشونت از طریق رسانه‌ها طبق ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی غیرقانونی و ممنوع است.
- تولید، نمایش عمومی، فروش و در اختیار داشتن برنامه‌های رسانه‌ای که خشونت بی‌رویه را ترویج و موجب نقض کرامت انسانی می‌شوند، مجازات قانونی دارد.

^۱ . The Council of Europe Convention on the Protection of Children Against Sexual Exploitation and Sexual Abuse, also known as the Lanzarote Convention, Lanzarote, ۲۵.X.۲۰۰۷.



- تولید، نمایش عمومی و فروش رسانه‌هایی که محتوای خشونت‌آمیز آن‌ها احتمالاً به رشد جسمی، ذهنی یا اخلاقی کودکان و نوجوانان آسیب می‌زند، طبق قوانین داخلی کشورهای عضو باید محدود شود.
- رسانه‌هایی که برنامه‌هایی را تولید می‌کنند که خشونت در آنها نقش اصلی را ایفا می‌کند، باید طبق قانون موظف شوند که نوع، سطح و میزان خشونت این رسانه‌ها را به‌طور عمومی اعلام کنند.
- ارائه‌دهندگان خدمات یا محصولات رسانه‌ای باید ملزم به ارائه طرق جبران خسارت به عموم باشند. مکانیسم‌های شکایت، مردم بتوانند در صورت آسیب از محتوای خشونت‌آمیز رسانه‌ای به مراجع قانونی رجوع نمایند.

قانون جدید اتحادیه اروپا برای مهار غول‌های فناوری می‌تواند به عنوان معیاری برای قوانین جهانی برای محافظت از کودکان آنلاین باشد، زیرا نگرانی‌ها در مورد تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر جوانان در سراسر جهان افزایش می‌یابد. پس از تصویب بسته خدمات دیجیتال در اولین نشست پارلمان اروپا در ژوئیه ۲۰۲۲، هر دو قانون خدمات دیجیتال و قانون بازارهای دیجیتال توسط شورای اتحادیه اروپا به تصویب رسیدند که توسط روسای هر دو نهاد امضا شده و در سال ۲۰۲۲ منتشر شد. قانون خدمات دیجیتال^۱ از ۲۷ اکتبر ۲۰۲۲ در مجله رسمی منتشر شده است و در ۱۶ نوامبر ۲۰۲۲ لازم الاجرا شده است. قانون خدمات دیجیتال اتحادیه شامل ممنوعیت تبلیغات هدفمند یا خشونت علیه کودکان است و محتوای را که می‌تواند برای خردسالان مضر باشد، مانند ویدیوهای مرتبط با خشونت، ممنوع می‌کند (۲۰۲۲/۲۰۶۵ EU) [The Digital Services Act Regulation \(EU\)](#). تا پیش از این قانون پیشگیری و مقابله با خشونت سایبری علیه کودکان مبتنی بر رویکرد خود انتظامی بود. به این معنی که شرکت‌ها بر محتوای سایبری نظارت می‌کردند. قانون خدمات دیجیتال با تعیین جریمه‌های سنگین برای شرکت‌هایی که نمی‌توانند محتوای غیرقانونی - مانند تصاویر سوء استفاده جنسی از کودکان یا تصاویر حاوی خشونت - را از پلتفرم‌های خود حذف کنند، عملاً به دوران خودتنظیمی داوطلبانه توسط شرکت‌ها پایان داد. اهمیت این قانون این است که گفتن «نه» به محتویات خشونت‌آمیز سایبری توسط شرکت‌ها داوطلبانه نیست، زیرا تعهدات و مسئولیت‌های خاصی وجود دارد که شرکت‌ها باید انجام دهند».

۴-۱-۵. کنوانسیون بین‌المللی مربوط به انتقال بین‌المللی اطلاعات

کنفرانس بین‌المللی درباره آزادی اطلاعات، در روز ۲۳ مارس ۱۹۴۸ در ژنو افتتاح شد و تا ۲۱ آوریل همان سال به کار خود ادامه داد. در این کنفرانس، ۳۰۰ نماینده از ۵۷ کشور جهان شرکت داشتند که در میان آن‌ها نمایندگان سازمان‌های حرفه‌ای مطبوعات، نقش مهمی ایفا کردند. کنفرانس مذکور، که در واقع نقطه عطف و شاید نقطه اوج جنبش مربوط به استقرار یک نظام بین‌المللی برای ارتباطات جمعی به شمار می‌رفت، سه طرح عهدنامه درباره دسترسی آزادانه به اطلاعات، انتقال بین‌المللی اطلاعات و حق تصحیح و آزادی اطلاعات، با اکثریت آراء را به تصویب رسانید:

۱. طرح عهدنامه دسترسی آزادانه به اطلاعات، در میان طرح‌های سه‌گانه، از طرف آمریکا تهیه شده بود. در این طرح برقراری سانسور در زمان صلح بر طبق مصالح امنیتی و نظامی پذیرفته شده بود. اما با اخراج بی‌دلیل خبرنگاران مخالفت داشت. این طرح، تمام مرزها و محدودیت‌ها را برای دسترسی به اسناد و مدارک حاوی اطلاعات می‌گشود. اما در مورد نشریات مخالف عفت عمومی و اخلاق حسنه و اطلاعات مربوط به امنیت ملی و نهایتاً برای دفاع از حق بهداشت روانی (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) آزادی اطلاعات را محدود می‌ساخت.

۲. طرح "عهدنامه مربوط به انتقال بین‌المللی اطلاعات و حق تصحیح"، که به وسیله دولت فرانسه پیشنهاد شده بود، به شکل نسبتاً غیر موثر، مورد قبول واقع شد. زیرا به موجب آن، در صورتی که کشور "مقصر"، از تصحیح اطلاعات انتشار یافته خودداری می‌کرد، تنها امکان توسل به دبیر کل سازمان ملل متحد وجود داشت. در ماده ۹ این طرح نیز مقرر شده بود که کشورها حق دارند قوانینی در زمینه حمایت از امنیت ملی و نظم عمومی و منع مطالب خبری هجو آمیز وضع نمایند. بنابراین

^۱ . Digital Services Act. (DSA).



سه مورد اشاره شده را در زمره مواردی آورده که کشورها می‌توانند آزادی را محدود کرده و بر تخطی کنندگان مسئولیت بار کنند.

۴-۱-۶. کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح

در کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، که در سال ۱۹۵۲ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیده است، به نقش گزارشگری خبری در حفظ و صلح و امنیت جهانی و گسترش تفاهم و دوستی ملت‌ها، توجه خاصی معطوف شده است. به موجب کنوانسیون بین‌المللی حق تصحیح، هردولتی که مدعی نادرستی یا تحریف یک گزارش خبری باشد و چنین گزارشی را "زبان‌آور به روابط خویش با دولت‌های دیگر یا زبان‌آور به شهرت یا حیثیت ملی خویش" تلقی کند، می‌تواند نظر خود را در مورد چگونگی تصحیح آن به نمایندگان دولتی که گزارش نادرست در قلمرو آن انتشار یافته است، تسلیم نماید. نمایندگان آن دولت موظفاند، نظر صحیح مذکور را از طرفی که معمولاً برای انتقال خبرهای مربوط به امور بین‌المللی به کارگرفته می‌شوند، منتشر سازند ([Convention on the International Right of Correction, ۴۳۵ U.N.T.S. ۱۹۱, entered into force Aug. ۲۴, ۱۹۶۲. Article ۲](#)) در غیر این صورت، دبیرکل ملل متحد باید اقدامات لازم را برای انتشار این گزارش تصحیح شده، معمول دارد. تردید نیست که این شیوه، یک حق تصحیح کامل، به صورتی که معمولاً در قوانین و مطبوعات داخلی پیش‌بینی می‌شود، به شمار نمی‌رود. زیرا به موجب قوانین مطبوعاتی، عامل انتشار خبر نادرست موظف است پس از اعتراض افراد یا موسسات ذینفع، متن صحیح آن را منتشر سازد. در عین حال، کنوانسیون بین‌المللی مذکور، به عنوان نخستین گام در این راه، اهمیت خاص دارد. زیرا احتمال دارد در بازنگری‌های آینده ناشی از الزامات عصر فضا دامنه حق تصحیح به بهداشت روانی (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) نیز گشاده شود.

۴-۲. پاسخ نهادی

از بین نهادهای مهم بین‌المللی سه نهاد یونسکو، مجمع عمومی ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی اقداماتی را در جهت وضع مقررات بین‌المللی برای دفاع از حق بهداشت روانی (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) انجام داده‌اند.

۴-۲-۱. یونسکو و تصویب اعلامیه مدارا و اعلامیه پخش برنامه‌های تلویزیونی به وسیله ماهواره

در مقدمه اساسنامه یونسکو که سند تأسیس این نهاد مهم بین‌المللی است و در سال ۱۹۴۵ تصویب شده این چنین آمده است که چون جنگ‌ها در ذهن مردم سرچشمه می‌گیرند، دفاع از صلح نیز باید در ذهن مردم تدارک دیده شود و "حیثیت انسان مقتضی نشر فرهنگ و تربیت عموم برای عدالت و آزادی و صلح است... عدم آشنایی ملل با یکدیگر همواره مبدأ سوءظن و بی اعتمادی میان ملل بوده... منجر به جنگ شده است ([Constitution of UNESCO, adopted on ۱۶ November ۱۹۴۵](#)). بنابراین شیوه اطلاع‌رسانی باید برپایه تساوی، مبادله آزاد افکار، صلح و دوستی باشد و خشونت و جنگ‌طلبی را امری مذموم جلوه دهد. یونسکو در جریان برگزاری هفدهمین اجلاس خود در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۲ اعلامیه‌ای تحت عنوان «اعلامیه مربوط به اصول راهنمای استفاده از پخش برنامه‌های تلویزیونی به وسیله ماهواره، برای جریان آزاد اطلاعات، گسترش آموزش و توسعه مبادلات فرهنگی» به تصویب رساند. دولت‌های جهان سوم و نیز دولت‌های سوسیالیستی همراه دولت فرانسه جزو موافقان این اعلامیه بودند و دولت‌های مخالف کشورهای بزرگ سرمایه داری غربی بودند زیرا در این اعلامیه به اصل حاکمیت ملی کشورها تأکید زیادی شده است. مهم‌ترین اصول حقوقی مندرج در اعلامیه یونسکو احترام به حق تمامی کشورها و تمامی خلق‌ها برای حراست فرهنگ خود، احترام به ویژگی‌های متمایز، ارزش‌ها و حیثیت‌های هر کدام از فرهنگ‌ها، احترام به حق حاکمیت ملی و است:



باید از اسناد جدیدی سخن گفت که به الغای خشونت مفهوم جدیدی بخشیده‌اند. اعلامیه اصول مدارا^۱ در بیست و هشتمین نشست کنفرانس عمومی سازمان یونسکو^۲ که از ۲۵ اکتبر تا ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ در پاریس برگزار شد، توسط کشورهای عضو یونسکو اعلام و تصویب شد. کشورهای عضو یونسکو با تأکید بر این نکته که مدارا تنها یک اصل بسیار با ارزش نیست، بلکه پیش‌شرط ضروری برای صلح و رشد اقتصادی و اجتماعی همه ملت‌ها است، به ضرورت گسترش فکر مدارا در جوامع بشری، اشاره نموده و اعلامیه اصول مدارا را در شش ماده (مفهوم مدارا، مدارا و دولت، ابعاد اجتماعی، آموزش و پرورش، تعهد برای عمل، روز جهانی مدارا) تنظیم نمودند. اعلامیه اصول مدارا در آغاز با اشاره منشور یونسکو، منشور سازمان ملل متحد و تأکید بر آزادی عقیده که اصل خدشه ناپذیر اعلامیه جهانی حقوق بشر است، به میثاق‌های شناخته شده بین‌المللی توجه می‌دهد و با نگرانی از رشد نامدارایی و خشونت تصریح می‌کند خشونت تحکیم صلح و دموکراسی را در سطح ملی و بین‌المللی تهدید کرده و مانع توسعه می‌شود. در ماده یکم اصول مزبور ضمن تعریف مدارا قید شده است: مدارا با کوتاه آمدن، تمکین یا چشم‌پوشی هم‌تراز نیست... مدارا به معنای پذیرش این واقعیت است که همه انسانها، با تمامی اختلافات ظاهری، موقعیتی، زبانی، رفتاری و ارزشی، حق آن را دارند که در صلح زندگی کنند و همان‌طور که هستند، باشند. به علاوه تحمیل دیدگاه‌های شخصی به دیگران مجاز نیست. در ماده سوم با توجه به ویژگی‌های دوران جدید (جهانی‌شدن اقتصاد، روزافزونی تحرک، ارتباطات، همزیستی و وابستگی متقابل، مهاجرت‌های گسترده و رانده شدن کل ساکنین مناطق، شهرنشینی و دگرگونی الگوهای اجتماعی) تأکید شده مدارا از هر زمان دیگری مهم‌تر است. در ماده چهارم قید شده یکی از عاجل‌ترین اهداف آموزشی تربیت برای مدارا است. در ماده پنجم کشورهای عضو یونسکو تعهد می‌کنند مدارا و عدم خشونت را از طریق برنامه‌های تلویزیونی و سازمان‌ها در سطوح آموزشی، علمی، فرهنگی و ارتباطات ترویج نمایند و در ماده ششم با هدف بیدار کردن افکار عمومی درباره مسئله مدارا، روشن کردن خطرات نا مدارائی و تأکید بر تلاش عملی خود، ۱۶ نوامبر را روز جهانی مدارا اعلام می‌کنند.

۴-۲-۲. مجمع عمومی سازمان ملل و تصویب قطعنامه جهان علیه خشونت

در سال ۱۹۴۶ قطعنامه (۱) ۵۹ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل موسوم به دعوت به کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات به تصویب رسید و طی آن به کشورها گوشزد گردید که آزادی اطلاعات یک حق اساسی بشر و مستلزم عدم سوءاستفاده است و سوءاستفاده نکردن از آزادی اطلاعات را به معنی التزام به تعهدات اخلاقی و دستیابی به حقایق بدون تعصب و پخش دانش بدون مقاصد پلید دانسته است. با توجه به آنکه اعضاء سازمان ملل متحد موظف به روابط دوستانه بین یکدیگر هستند قطعنامه شماره (۲) ۱۲۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۷ به تصویب رسیده است در پی آن است که "پخش اطلاعات در همه کشورها جهت تقویت تفاهم مشترک و تضمین روابط دوستانه بین ملت‌ها" صورت پذیرد و این هدف با "اتخاذ تدابیری در محدوده قوانین اساسی برای مبارزه با انتشار گزارش‌های کذب و تحریف شده" قابل حصول است. وقوع انقلاب در کشورهای عربی، تجاوز مکرر رژیم صهیونیستی به فلسطین، جنگ داخلی در سوریه، حمله نظامی عربستان بر خاک یمن و ظهور پدیده «داعش» با تصویر بریدن سر، سوزاندن و یا با تانک از روی گروگان‌ها رد شدن که از طریق رسانه‌ها ایجاد و انتشار یافتند باعث گردید در ۱۸ دسامبر سال ۲۰۱۳؛ "حسن روحانی" رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، پیشنهاد «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» را ارائه داد. این پیشنهاد با رأی قاطع نمایندگان ۱۹۰ کشور جهان، بدون مخالف به تصویب رسید. این پیشنهاد به قطعنامه «WAVE»^۳ معروف است و روز ۱۸ دسامبر، سالروز تصویب این قطعنامه است. واقعیت این است که قطعنامه‌ای که در ۱۳۹۲/۹/۲۷ در مجمع عمومی به تصویب رسید پاسخ مناسبی

^۱. Declaration of Principles on Tolerance (۱۹۹۵) (Adopted and proclaimed by Member States of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Paris, France, ۱۶ November ۱۹۹۵)

^۲. The Member States of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, meeting in Paris at the twenty-eighth session of the General Conference, from ۲۵ October to ۱۶ November ۱۹۹۵.

^۳. World Against Violence and Extremism.



به خشونت رسانه‌ای داعش بود. فیلم‌های ویدیویی و تصاویر منتشر شده توسط داعش موضوعات گوناگونی را در بر می‌گیرد. دسته‌ای از آن‌ها به نمایش انواع گوناگون اعدام شامل بریدن سر (خبرنگاران و اتباع خارجی و مخالفان داعش)، به صلیب کشیدن، سوزاندن (خلبان اردنی معاذ الکساسبه و افراد دیگر)، شلیک به سر، غرق کردن افراد زیر آب با هدف ایجاد ترس و وحشت و نشان دادن تحقیر افراد و القای قدرت داعش نمایش داده می‌شد (عراقچی و جوزانی کهن، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

۱. نکوهش و محکومیت اقداماتی که ریشه در فرهنگ افراط‌گرایی و خشونت دارند (A/RES/۶۸/۱۲۷).

۲. تقویت و حمایت از اقداماتی که باعث کنترل خشونت می‌شود (A/RES/۶۸/۱۲۷).

۳. در این قطعنامه در برخورد با افراطی‌گری و خشونت به نقش بی‌بدیل رسانه‌ها تأکید شده است. رسانه‌ها در ترسیم چهره واقعی فرهنگ‌ها، ملت‌ها و مذاهب از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. رسانه‌ها باید بر ابعاد ویرانگر افراطی‌گری و خشونت تمرکز کرده و جوامع را نسبت به عواقب این رویکردها آگاه کنند.

۴-۲-۳. سازمان بهداشت جهانی و تلاش برای پایان دادن به خشونت علیه کودکان

خشونت اخیراً به عنوان یک مسئله بهداشت عمومی مورد توجه سازمان بهداشت جهانی قرار گرفته است در سال ۱۹۹۷، سازمان بهداشت جهانی برنامه «اقدام برای پیشگیری از خشونت» را تصویب کرد. این برنامه، کار مشترک سازمان بهداشت جهانی با انجمن بین‌المللی پیشگیری از سوء استفاده کودکان^۱ است. رویکرد این برنامه پیشگیری از خشونت علیه کودکان است که دخالت همه بخش‌های جامعه از جمله بخش بهداشت و سلامت، مراجع قانونی و رسانه‌ها را می‌طلبد. آمارهای سازمان بهداشت جهانی حکایت از قربانی شدن و سوء استفاده از کودکان تا ۴۰ میلیون کودک را دارد که یکی از ریشه‌های آن به نقض بهداشت روانی (پرهیز از خشونت رسانه‌ای) برمی‌گردد. قربانیان سوء استفاده از کودکان در هر سال در سراسر جهان تا ۴۰ میلیون کودک را دربر می‌گیرد (WHO, ۱۹۹۹: ۱۷) از منظر سازمان بهداشت جهانی قرار گرفتن کودک در معرض خشونت رسانه‌ای نیز در محدوده سوء استفاده از کودک است (WHO, ۲۰۰۶: ۱۲) سازمان بهداشت جهانی ضمن یادآوری قطعنامه WHA۴۹,۲۵ که خشونت علیه کودکان را یکی از مهمترین مشکلات بهداشت جهانی اعلام کرده است (WHO, ۲۰۱۴) همچنین قطعنامه WHA۵۶,۲۴ در مورد اجرای توصیه‌های گزارش جهانی درباره خشونت و قطعنامه WHA۶۱,۱۶، در شصت و هفتمین مجمع عمومی خود (مه ۲۰۱۴) قطعنامه WHA۶۷,۱۵ را تحت عنوان «تقویت نقش نظام سلامت در مقابله با خشونت، به ویژه علیه کودکان» را تصویب نمود (World report on violence and health. Geneva: World Health Organization; ۲۰۰۲). سازمان بهداشت جهانی در قطعنامه WHA۶۷,۱۵ ضمن یادآوری لزوم لغو خشونت، همانطور که در اعلامیه ۱۹۹۳ اعلام شده است (United Nations General Assembly resolution ۴۸/۱۰۴) نگران است که سلامت و رفاه میلیون‌ها نفر از افراد و خانواده‌ها به طور ناخودآگاه تحت تاثیر قرار گرفته است. علاوه بر این نگرانی وجود دارد که خشونت عواقب مرتبط با سلامتی دارد که مرگ، ناتوانی و آسیب‌های فیزیکی از این جمله است (WHO, ۲۰۱۳: ۱۳). تشدید خشونت، خصوصاً برای کودکان، نگران کننده است. قطعنامه WHA۶۷,۱۵ ضمن تأیید نقش موثر و ویژه‌ای که سیستم‌های بهداشت ملی در شناسایی و جلوگیری از تکرار خشونت و ارائه مراقبت‌های بالینی دارند از دولت‌ها می‌خواهد موارد ذیل را اتخاذ کنند:

(۱) نقش سیستم‌های بهداشتی خود را در رسیدگی به خشونت، تقویت کرده و اطمینان حاصل کنند که تمام افرادی که در معرض خطر و یا تحت تاثیر خشونت قرار دارند به موقع و سریع حق دسترسی به خدمات بهداشتی را دارند؛

(۲) از کشورهای عضو می‌خواهد از تعامل سیستم‌های بهداشتی با سایر بخش‌ها مانند رسانه‌ها، به منظور ترویج و توسعه یک برنامه جامع اطمینان حاصل نمایند (WHO, LSHTM, SAMRC, ۲۰۱۳: ۱۶).

(۳) از کشورهای عضو می‌خواهد اقدامات لازم، بویژه در زمینه رسانه‌ها، به عمل آورند که الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مرد و زن اصلاح شود و تبعیض‌ها و رفتارهایی مبتنی بر ایده فرودستی یا فرادستی، حذف شود.

^۱. International Society for the Prevention of Child Abuse and Neglect (ISPCAN).



(۴) از کشورهای عضو می‌خواهد با جمع‌آوری و تحقیق در زمینه انواع و پیامدهای بهداشتی خشونت و در صورت لزوم انتشار اطلاعات منجر به بهبود سیستم سلامت شوند. همچنین با جمع‌آوری و تحقیق در زمینه اتخاذ بهترین اقدامات، از جمله کیفیت مراقبت و راهبردهای پیشگیری و موثر موجب بهبود و تقویت اقدامات ملی، شوند.

به طور خلاصه قطعنامه‌های سازمان بهداشت جهانی که شامل قطعنامه مجمع بهداشت جهانی و هیئت اجرایی در مورد خشونت علیه کودکان می‌باشد، عبارتند از:

- (WHA۴۹,۲۵, ۱۹۹۶)، که خشونت را یکی از بزرگ‌ترین مشکل سلامت عمومی جهان تلقی کرده است؛
- (WHA۵۰,۱۹, ۱۹۹۷) در مورد توسعه یک برنامه عمل پیشگیرانه در مقابله با خشونت تاکید کرده است؛
- (EB۹۵.R1۷, ۱۹۹۵) بر مدیریت اثرات سلامتی درخشونت جمعی در موارد اضطراری تاکید کرده است؛
- (WHA۵۶,۲۴, ۲۰۰۳) بر اجرای توصیه‌های گزارش جهانی خشونت و سلامت سال ۲۰۰۲ تاکید کرده است؛
- (WHA۵۷,۱۲, ۲۰۰۴)، ممانعت از خشونت علیه زنان و کودکان را برجسته کرده است.
- (WHA۶۱,۱۶, ۲۰۰۸) بر بهبود بهداشت و سلامت، از جمله بهداشت روانی تاکید کرده است.
- (WHA۶۳,۱۳, ۲۰۱۰) در مورد استراتژی جهانی برای کاهش استفاده از الکل؛
- (WHA۶۶,۸, ۲۰۱۳) بر اجرای برنامه جامع بهداشت روانی ۲۰۱۳-۲۰۲۰ تاکید کرده است؛
- (WHA۶۶,۹, ۲۰۱۳)، بر توسعه برنامه جهانی سلامتی برای همه افراد معلول تاکید کرده است.

در زمینه خشونت هم‌چنین می‌توان به کمپین سازمان بهداشت جهانی برای جلوگیری از خشونت اشاره کرد. این کمپین در سال ۲۰۰۲ آغاز شد و هدف از آن افزایش آگاهی بین‌المللی درباره‌ی مشکل خشونت (از جمله بدرفتاری با کودکان)، تاکید بر نقش بهداشت و سلامت عمومی در مسیر پیشگیری از این نوع خشونت و افزایش فعالیت‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی در جلوگیری از آن است. رویکرد پیشگیری از خشونت، در گزارش جهانی خشونت و بهداشت و سلامت مربوط به سازمان بهداشت جهانی ارائه شده است. مصوبه‌ی مجمع بهداشت جهانی (WHA, ۲۰۰۴: ۵۶-۲۴) که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید، کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا این توصیه‌ها، دستورالعمل‌ها و اصول راهنما را در برنامه‌های خود اجرا کنند و از دبیرخانه بخواهند تا به آنها در اجرای بهتر برنامه‌های پیشگیرانه از خشونت و کاهش عواقب و پیامدهای آن، همکاری کند. به منظور تکمیل این بخش، ائتلاف پیشگیری از خشونت ایجاد شده است تا انجمنی برای تبادل بهترین اطلاعات عملی میان کشورها و آژانس‌های دیگر که در مورد کاهش خشونت در سراسر جهان فعالیت می‌کنند، فراهم شود.

۴-۲-۴. اجلاس جهانی رسانه‌ها برای کودکان و بیانیه تسالونیک

اجلاس جهانی رسانه برای کودکان اولین بار در استرالیا در سال ۱۹۹۵ به میزبانی بنیاد تلویزیون کودکان استرالیا افتتاح شد. اجلاس جهانی رسانه برای کودکان هر ۳ سال یک بار برگزار می‌شود و هفتمین اجلاس جهانی رسانه برای کودکان به میزبانی مالزی در ۸ تا ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴ برگزار شد. با اینکه در هر اجلاس شرکت کنندگان سعی کرده‌اند بر یک موضوع خاص تمرکز کنند اما خشونت رسانه‌ای مساله‌ای بوده که در اجلاس‌های متعدد مورد تاکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه در هفتمین اجلاس جهانی رسانه برای کودکان بسیاری از تولیدکنندگان، پخش‌کنندگان، صاحبان و مدیران رسانه‌ها و رهبران جوامع مختلف متعهد به بهبود کیفیت محتوای برنامه‌های رسانه‌ها برای کودکان شدند. اما در سومین اجلاس جهانی رسانه‌ها برای کودکان در تسالونیک/یونان، ۲۳ تا ۲۶ مارس ۲۰۰۱ شرکت کنندگان بیانیه‌ای تحت عنوان بیانیه تسالونیک صادر کردند و بر این امر تأکید کردند که حق برقراری ارتباط، مشارکت و اطلاع از حقوق اساسی بشری و از حقوق کودکان می‌باشد که در کنوانسیون حقوق کودک نیز منعکس شده است. با وجود پیشرفت‌هایی که برای تحقق حق کودکان و نوجوانان برای داشتن رسانه‌های با کیفیت در تلویزیون، ویدیو، فیلم، اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای، رادیو یا نشریات شده است اما شرکت کنندگان اذعان کردند که نگرانی رو به رشدی نسبت به تأثیر برنامه‌های رسانه‌ای حاوی خشونت، مصرف‌گرایی، ترویج تبعیض جنسیتی بر کودکان وجود دارد. چنین وضعیتی نیاز به اقدام فوری و هماهنگ بین فعالان رسانه با توجه به تحولات سریع تکنولوژی دارد. شرکت کنندگان توافق کردند



که باید مقررات هماهنگی در راستای نظارت بر تشویق و حمایت از تولید محتوای با کیفیت در رسانه‌ها با تمرکز ویژه بر حفاظت از خشونت، پورنوگرافی، پدوفیلی و نژادپرستی تصویب و تدوین گردد ([Thessaloniki Declaration on the 3rd World Summit on Media for Children: Commitment for the Future, ۲۰۰۱](#)).

نتیجه‌گیری

با توجه به وجود قطعی خشونت بصری در محتوای رسانه‌های دیداری و تاثیر انکار ناپذیر کدگذاری‌های رسانه‌ای در زندگی اجتماعی بدین نتیجه دست یافتیم که اولاً طبق نظریات مهمی چون بازداری زدایی و حساسیت‌زدایی انتشار بیش از حد تصاویر خشونت‌بار اثر سوء بر مخاطبین دارد. به این دلیل اسناد بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی سعی در تعیین ضوابطی برای آزادی رسانه‌ها هستند. در میان اسناد حقوق بشری تنها بند چهارم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر است که برای حمایت اخلاقی از کودکان و نوجوانان ایجاد محدودیت بر آزادی رسانه را پیش‌بینی کرده است. اما این هرگز به این معنا نیست که سایر اسناد حقوق بشری از حمایت اخلاقی از کودکان و نوجوانان در برابر برنامه‌های حاوی خشونت، مصرف‌گرایی، ترویج تبعیض جنسیتی رسانه‌ها مغفول مانده و هیچ حمایتی از بهداشت روانی مخاطبان رسانه‌ها به عمل نیاورده‌اند. بلکه همان طور که مفهوم سلامت و بهداشت از صرف نبود بیماری و نقص عضو (معلولیت) به بهتر زیستن/رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی دچار تحول مفهومی شده است، بهداشت عمومی مندرج در اسناد حقوق بشری به عنوان معیار تحدید آزادی رسانه‌ها نیز قابلیت تفسیر موسع از صرف نبود بیماری‌های مسری و واگیردار در جامعه به نبود خشونت در جامعه دارد. چنانچه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در قضیه مولر، جریمه مولر را به سبب به نمایش گذاشتن نقاشی‌های مستهجن در سوئیس و در قضیه دادجنون جرم‌انگاری همجنس‌بازی در ایرلند شمالی را صیانت از بهداشت عمومی یا اصول اخلاقی توصیف کرد. لذا خشونت در رسانه‌ها می‌تواند بهداشت عمومی را نقض نماید و رویه قضایی نیز سعی در پیوند بهداشت روانی با سلامت و بهداشت عمومی و اخلاقیات عمومی است. تصویب قانون جدید اتحادیه اروپا در مورد رسانه‌های دیجیتال گام مهم دیگر برای پایان دادن به خشونت سایبری در در دنیای دیجیتال است که می‌تواند نقش سازنده‌ای در پاسخ به خشونت رسانه‌ای باشد. از یک‌سو قانون خدمات دیجیتال اتحادیه (DSA) می‌تواند الگویی برای وضع قوانین مشابه برای شرکت‌های بزرگ فناوری در کشورها و مناطق دیگر باشد و از سوی دیگر یخ دیوان اروپایی حقوق بشر در برابر خشونت رسانه‌ای می‌شکند و شاهد آرای در جهت حمایت از بهداشت روانی مخاطبان می‌شویم.

منابع و مآخذ

۱. آقا بیگلویی، عباس؛ موسوی چلک، سیدحسن و رسول‌زاده طباطبایی کاظم (۱۳۸۰)، *کودک‌آزاری*، تهران: نشر آوند دانش.
۲. پارسا، محمد (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی رشد*، تهران، بعثت.
۳. تقی‌زاد، مهرداد؛ زمردی، کیوان و حاجیان مهدی (۱۳۹۶)، نقش اتحادیه اروپا در قاعده‌مندسازی جرائم سایبری، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، سال هفتم، (۲۹): ۱۴۳-۱۰۴.
۴. جوادی یگانه، محمدرضا و حمید عبدالهیان (۱۳۸۶)، *دین و رسانه (مجموعه مقالات)*، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۵. جواهری، غلامرضا؛ اسماعیلی، مهدی و حاجی تبار فیروز جانی حسن (۱۳۹۹)، هرزه نگاری سایبری: از مبانی نظری تا الگوهای واکنش کیفری، *حقوق کیفری*، دوره ۸، ۲ (۳۰): ۱۷۳-۲۰۰.
۶. حاتمی، محمد (۱۳۸۷)، اثرات خشونت تلویزیونی بر بینندگان و عوامل مؤثر بر آن، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، ۱۵ (۵۴): ۵۷-۷۹.
۷. حاتمی، محمد، (۱۳۸۷)، اثرات خشونت تلویزیونی بر بینندگان و عوامل مؤثر بر آن، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۵ (۵۴): ۵۷-۷۹.
۸. حسینی انجدانی، مریم (۱۳۸۶)، کودکان، والدین و آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیون، *مجله پژوهش و سنجش*، ۱۱ (۵۱): ۱۵۸-۱۶۹.
۹. حکیم‌آرا، محمدعلی (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی رسانه*، تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.



۱۰. رالف، موس (۱۳۵۷)، **نظریه بنیادی در مورد نوجوانی**، صاحب‌الزمانی و دیگران، عطایی.
۱۱. رفیعی، غلامرضا (۱۳۸۱)، موانع قانونمندی پخش تلویزیونی ماهواره ای، **پژوهش‌های ارتباطی**، ۲(۳۱): ۳۴۷-۳۶۶.
۱۲. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۱)، **پخش مستقیم ماهواره‌ای در قرن بیست و یکم**، چالش‌های حقوقی و فرهنگی؛ گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما؛ تهران: سروش
۱۳. زنگی اهرمی، عهدیه (۱۳۹۳)، بررسی سن کودک و آثار آن از دیدگاه حقوق بین‌الملل، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد** دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، استاد راهنما: مهدی عباسی سرمدی.
۱۴. سیدموسوی، میرسجاد (۱۳۹۹)، رویکردی بر نظریه: حق بر بالاترین سطح قابل حصول سلامت، **تحقیقات حقوقی**، ۲۳(۸۹): ۲۷۳-۲۹۶.
۱۵. شفیعی، نوذر (۱۳۸۳)، تئوری خشونت‌سازی رسانه‌ها، **ماهنامه همشهری دیپلماتیک**، (۲۳): ۱۰-۱۱.
۱۶. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۷۶)، **حقوق مدنی**، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی قم، چاپ دوم.
۱۷. عبادی، شیرین (۱۳۷۶)، **حقوق کودک تطبیقی**، تهران: نشر کانون.
۱۸. عراقچی، سیدعباس؛ جوزانی‌کهن، شاهین. (۱۳۹۶)، بهره‌برداری داعش از فضای مجازی، **فصلنامه روابط خارجی**، ۱(۳): ۱۴۱-۱۷۵.
۱۹. عظیمی، حسین، آقاجانلو، نرگس، فاطمه نجفی (۱۳۹۱)، تأثیر رسانه‌های جمعی بر ایجاد امنیت، **فصلنامه دانش انتظامی زنجان**، ۱(۴): ۱۴۱-۱۱۷.
۲۰. فاضل، رضا (۱۳۸۷)، رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید و توسل به آن در کودکان، **فصلنامه پژوهش و سنجش**، ۱۵(۵۴): ۳۳-۵۶.
۲۱. فولادی، فرزاد (۱۳۹۱)، بررسی رابطه خشونت تلویزیونی با خشونت واقعی در میان کودکان، **مطالعات رسانه‌ای**، ۷(۱۸): ۱۱۴-۱۲۵.
۲۲. فولادی‌راد، فرزاد (۱۳۹۱)، رابطه خشونت تلویزیونی با خشونت واقعی در میان کودکان، **مطالعات رسانه‌ای**، ۷(۱۸): ۱۴۰-۱۶۰.
۲۳. کری، پیتر و ساندرز جو (۱۳۸۶)، حقوق رسانه، ترجمه ملک محمدی، تهران: میزان.
۲۴. کازنوو، ژان (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی**، ترجمه: باقر ساروخانی (مترجم)، تهران: اطلاعات.
۲۵. کدخدایی، عباس (۱۳۷۹)، **پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل**؛ تهران: شهردانش.
۲۶. گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۹۱)، نقش سازمان‌های اطلاعاتی در ارتقای قدرت نرم کشور، **مطالعات راهبردی**، ۱(۲): ۱۱۴-۱۲۵.
۲۷. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، ج ۳، نشر گنج دانش، چاپ دوم.
۲۸. معین، محمد (۱۳۶۳)، **فرهنگ معین**، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر.
۲۹. موحدی، محسن (۱۳۹۲)، مقابله رسانه‌ای غرب با مسلمانان در جنگ نرم و راهکارهای برخورد با آن، **فصلنامه تخصصی علوم اسلامی سفیر نور**، ۲(۸): ۷-۱۷.
۳۰. هاشمی، شهناز (۱۳۹۳)، تأثیر گزارش‌های خبری خشونت‌بار تلویزیونی بر هیجانات، **مجله جهانی رسانه**، ۹(۲): ۲۸۵-۳۰۰.
۳۱. هالد، فیلد (۱۳۵۶)، **روان‌شناسی کودک و بالغ**، مشفق همدانی، صفی‌علیشاه.
۳۲. هامبرگ، ت. (۱۳۸۰)، **کودکان و تأثیرات زبان آور رسانه‌ها بر آن‌ها** (ترجمه مهدی شفقتی)، در یونسکو، کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۳۳. Anderson, C.A., & Dill, K. E. (۲۰۰۰), Video games and aggressive thoughts, feelings, and behavior in the laboratory and in life, **Journal of Personality and Social Psychology**, ۷۸ (۲): ۷۷۲-۷۹۰.



۳۴. Anderson, C.A., (۲۰۰۲b), ***Violent video games and aggressive thoughts, feelings, and behaviors***, Chapter in S. L. Calvert, A. B. Jordan, & R. R. Cocking (Eds.). *Children in the digital age*, (pp.۱۰۱-۱۱۹). Westport, CT: Praeger Publishers.
۳۵. Anderson, C.A., Carnagey, N. L., Flanagan, M., Benjamin, A. J., Eubanks, J., Valentine, J. C.(۲۰۰۴), Violent Video Games: Specific Effects of Violent Content on Aggressive Thoughts and Behavior, ***Advances in Experimental Social Psychology***, ۳۶, ۱۹۹-۲۴۹.
۳۶. Bushman, B.J., & Anderson, C.A. (۲۰۰۲), Violent video games and hostile expectations: A test of the general aggression model, ***Personality and Social Psychology Bulletin***, ۲۸, ۱۶۷۹-۱۶۸۶.
۳۷. Camey, C., I., Sabater, L. & Owren, C. (۲۰۲۰). Wen, J. (ed.). ***Gender-based violence and environment linkages: The violence of inequality***, Wen, J. (ed.). Gland, Switzerland: International Union for Conservation of Nature and Natural Resources (IUCN).Pp.۱-۲۴۲.
۳۸. Dietz, T. L. (۱۹۹۸), An examination of violence and gender role portrayals in video games: Implications for gender socialization and aggressive behavior, ***Sex Roles***, ۳۸ (۱): ۴۲۵-۴۴۲.
۳۹. Gentile, D. A., Lynch, P. J., Linder, J. R., & Walsh, D. A. (۲۰۰۴), The effects of violent video game habits on adolescent aggressive attitudes and behaviors, ***Journal of Adolescence***, ۲۷(۲): ۵-۲۲.
۴۰. Huesmann, L. R., Moise, J., Podolski, C. P., & Eron, L. D. (۲۰۰۳), Longitudinal relations between children's exposure to TV violence and their aggressive and violent behavior in young adulthood: ۱۹۷۷-۱۹۹۲, ***Developmental Psychology***, ۳۹ (۲), ۲۰۱-۲۲۱.
۴۱. Kellern, Perry (۲۰۱۱), *The Media in European and International Human Rights Law*, European and International Media Law: Liberal Democracy, Trade, and the New Media European and International Media Law: Liberal Democracy, Trade, and the New Media, ۱۸۵-۲۲۳.
۴۲. Mann J., Gostin L., Gruskin S., et al.(۱۹۹۴), "Health and human rights," *Health and Human Right*, ***An International Journal***, ۱(۱): ۱۹-۴۰.
۴۳. Organization of American States (OAS), ***Inter-American Convention on the Prevention, Punishment and Eradication of Violence against Women ("Convention of Belem do Para")***, ۹ June ۱۹۹۴, available at: <https://www.refworld.org/docid/3ae7b37b.html> [accessed ۱۰ April ۲۰۲۳]
۴۴. Organized by the Office of the High Commissioner for Human Rights (۲۰۱۰), ***Towards an interpretation of article ۲۰ of the ICCPR, Organized by the Office of the High Commissioner for Human Rights***, Vienna.
۴۵. Provisional agenda item ۱۴,۳.
۴۶. Sujatha, D. (۲۰۱۴), Redefining Domestic Violence: Experiences of Dalit Women, ***Economic and Political Weekly***,. ۴۹ (۴۷): ۱۹-۲۲.
۴۷. UN (۱۹۹۳), ***United Nations. Declaration on the elimination of violence against women***, New York. by General Assembly resolution ۴۸/۱۰۴ of ۲۰ December ۱۹۹۳.
۴۸. UN General Assembly (۲۰۱۳), ***A world against violence and violent extremism: resolution/adopted by the General Assembly***, ۲۰ February ۲۰۱۳, A/RES/۶۸/۱۲۷, available at: <http://www.refworld.org/docid/53aa9cc4.html> [accessed ۲۳ January ۲۰۱۸]. Adopted without vote, ۶۹th plenary meeting : Issued in GAOR, ۶۸th sess., Suppl. no. ۴۹.
۴۹. United Nations General Assembly(۲۰۱۵), ***Right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health***, A/۷۰/۲۱۳.
۵۰. Voorhoof Dirk and McGonagle Tarlach (۲۰۱۶), *Freedom of Expression, the Media and Journalists: Case-law of the European Court of Human Rights*, IRIS themes, European Audiovisual Observatory, Strasbourg



۵۱. WHA (۲۰۰۴), *The World report on violence and health and the World report on road traffic injury prevention were launched by WHO in ۲۰۰۲ and ۲۰۰۴, respectively*, These reports were endorsed by the World Health Assembly (WHA) in resolutions WHA ۵۶.۲۴ (Implementing the recommendations of the World report on violence and health) and WHA ۵۷.۱۰ (Road safety and health), respectively.
۵۲. WHO (۱۹۹۹), *Consultation on Child Abuse Prevention*, Geneva, Switzerland, World Health Organization. Violence and Injury Prevention Team & Global Forum for Health Research. Report of the Consultation on Child Abuse Prevention, ۲۹-۳۱ March ۱۹۹۹, WHO, Geneva. World Health Organization.WHO/HSC/PVI/۹۹,۱
۵۳. WHO (۲۰۱۴), *Addressing the global challenge of violence, in particular against women and girls, and against children*, SIXTY-SEVENTH WORLD HEALTH ASSEMBLY A۶۷/۲۲
۵۴. WHO, LSHTM, SAMRC (۲۰۱۳), *Global and regional estimates of violence against women: prevalence and health impacts of intimate partner violence and non-partner sexual violence*, WHO: Geneva, ۲۰۱۳.
۵۵. World Health Organization (۲۰۰۲), *World report on violence and health*, Geneva, World Health Organization, Krug EG et al., eds. WHO Library Cataloguing-in-Publication Data.
۵۶. World Health Organization (۲۰۰۶), *Training Course on Child Growth Assessment. Version* November, Geneva: WHO; ۲۰۰۶.
۵۷. World Health Organization (۲۰۱۳), *London School of Hygiene and Tropical Medicine, South African Medical Research Council. Global and regional estimates of violence against women: prevalence and health effects of intimate partner violence and non-partner sexual violence*, Geneva: World Health Organization. HRC(۲۰۱۵), ۲۹th, ۳۰/۰۴/۲۰۱۵, A/HRC/۲۹/۲۳/Add.۱, Report of the Special Rapporteur on the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health, Dainius Puras - Addendum - Visit to Malaysia (۱۹ November–۲ December ۲۰۱۴)
۵۸. WSMCA (۲۰۰۴), *World Fit for Children, Special Session Bellamy Carol at the Forth World Summit on the Media for Children and Adolescents*, (WSMCA) in Rio de Janeiro.



Media Violence & Children's Health with Emphasis on View of International Documents & Institutions

Maryam Shiriyan Nasl

Assistant Professor, Departeman of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
maryam.shiriyan@yahoo.com

MohsenAzimi

M.A Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Mohsen Azimi۸۱۰۲۱۲۰۲@gmail.com

Saeed.Ssadeghi

M.A Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
SaeedSadeghi۶۲@gmail.com

Abstract

Many phenomena of the age of globalization act like a double-edged sword. On the one hand, the media is a tool for information and a factor for realizing the right to access information. On the other hand, media violence has a negative effect on children's health. Talalang Mofokeng, the special rapporteur on the right to health, in his ۲۰۲۲ report, has identified the virtual and media space as one of the factors that threaten the right to health and hinder the improvement of children's health. This research analyzes the perspective of international documents and institutions against media violence as a challenge in promoting children's health rights with a descriptive-analytical method and by acknowledging the harmful effects of media violence on children's health. The main question of the research is, considering the destructive effects of media violence on children's health, what has been the reaction of the international community to deal with the effects of absolute freedom of the media in order to defend the right of mental health of the audience (avoid media violence)?

The research is based on the hypothesis that the destructive effects of media violence on children's health have caused the international community to give appropriate treaty and institutional responses to media violence. The results of the research show that the media, in addition to having a destructive effect on children's mental health, can even harm their physical health. The findings of the research also show that international documents and institutions and jurisprudence tend to link mental health with public health and public morality in order to prevent unconditional freedom of the media and media violence.

Keywords: Media, Right to Health, Children, Media Violence, Convention of Lanzarote.